



نقل عاشورا

نگاهی به راویان واقعه عاشورا

بدون تردید، ارزیابی و آسیب‌شناسی ادبیات عاشورایی در گرو شناخت و بررسی علمی منابع و مآخذ واقعه بی‌نظیر کربلاست. خوشبختانه از زمان‌های بسیار نزدیک به زمان وقوع واقعه، گزارش‌های مستند و متعددی از قیام امام (ع) در دست است. بنا به گزارش‌های پژوهشی، نخستین راویان، از اهل بیت امام بوده‌اند؛ بر این اساس، زینب کبری، ام‌کلثوم و سکینه - که درود خدا بر ایشان باد- از جمله کسانی هستند که در واقعه عاشورا ابیاتی جانگداز سروده‌اند (نک: ادب اللطفه ج ۱، ص ۱۵۸ و ۲۲۶؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۴ به بعد). از امام سجاد (ع)، ام‌البنین، رباب - بنت امرؤالقیس بن عدی، همسر امام حسین (ع) - و دیگران نیز ابیاتی به جای مانده است. علاوه بر این دسته، راویان، ادیبان و تاریخ‌نگاران بسیاری به عربی و فارسی به ثبت و ضبط واقعه عاشورا همت گمارده و به توسعه و گسترش کمی و کیفی ادبیات عاشورایی اهتمام نموده‌اند.

مرثیه ابوالأسود دؤلی (متوفای ۶۹ ق)، چکامه بلند فرزدق (متوفای ۱۱۰ ق)، اشعار جانگداز سلیمان بن قته الخزاعی (متوفای ۱۲۶ ق) و قصاید بلند هاشمیت کمیت بن زید اسدی (متوفای ۱۲۶ ق)، از نخستین مراثی مشهور در رثای حضرت سیدالشهدا (ع) به شمار می‌روند. دعیل بن علی الخزاعی (متوفای ۲۴۶ ق)، محمود بن حسین کشاجم (متوفای ۳۶۰ ق)، سری الرفاء (متوفای ۲۶۶ ق)، صاحب بن عبّاد (متوفای ۳۸۵ ق)، شریف الرّضی (متوفای ۴۰۶ ق)، شریف

دکتر احمد خاتمی*



مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق) و ابوالعلاء مَعْرَى (متوفای ۴۴۹ ق)، از جمله مشاهیر ادبای عربند که به واقعه عاشورا توجه کرده‌اند. هم‌زمان و پس از ایشان، صدها شاعر و نویسنده و مورخ اهل سنت و شیعه نیز موضوع عاشورا را برگزیده و به قدر استعداد خود آن را پروراندند؛ از میان این کسان، که نقشی مؤثر در حفظ واقعه عاشورا داشته‌اند، مورخان، به‌ویژه تاریخ‌نگارانی هستند که با تألیف و تدوین کتب مقاتل، به نقل و تحلیل واقعه عاشورا و حوادث مرتبط با آن پرداخته‌اند. البته شیوه نقل حوادث کربلا در آغاز برای مورخان و مقتل‌نگاران یکسان بوده و گزارش‌های تاریخی، حکایت از یکدستی مطالب دارد؛ اما به مرور، نقل روایات لونی دیگر یافت و روایاتی به دور از آنچه پیشینیان از مورخان و مقتل‌نویسان نقل کرده بودند، در ماجرای کربلا پیدا شد. بعید نیست این دسته از تاریخ‌نگاران عاشورا، از مقاتل کهنی استفاده کرده باشند که در گذر زمان از دست رفته‌اند؛ کتاب‌هایی که گه‌گاه نام و نشانی و یا عبارت و روایتی از آنها در بعضی مأخذ معتبر، مانند رجال نجاشی و الفهرست ابن‌ندیم آمده است.

باری؛ از قدیم‌ترین و مهم‌ترین کتب مقاتل، مقتل ابی مخنف (متوفای ۱۵۷ ق) است. اگرچه در مذهب او اختلاف نظر است و هیچ یک از رجال شیعی او را به طور قطع شیعه ندانسته‌اند، اما عالمان شیعه، از جمله شیخ طوسی، وی را از اصحاب ائمه شمرده‌اند (نک: رجال، شیخ طوسی، ص ۱۵۵) و مقتل او را صحیح‌ترین (نک: قاموس الرجال، ج ۸، ص ۶۲۰) و قدیم‌ترین مقاتل دانسته‌اند، که حدود هفتاد سال پس از واقعه عاشورا تألیف و حوادث آن غالباً با یک یا دو واسطه نقل شده است و طرفه آنکه بعضی از روایان این مقتل، مثل عقبه بن سمرعان و غلام عبدالرحمن بن عبد ربّه و ضحاک مشرقی، از یاران امام (ع) در روز عاشورا بوده‌اند که به شهادت نرسیده‌اند.^۱ وجود این دسته از روایان و نزدیکی زمان مؤلف به واقعه عاشورا، سبب شد تا این مقتل، مورد توجه و استفاده دانشمندان و مورخان بزرگی، چون طبری (متوفای ۳۱۰ ق) در کتاب مشهور تاریخ الاَهم و الملوک و ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ ق) در کتاب مقاتل الطالبیین، و شیخ مفید در الارشاد قرار گیرد و بخش‌هایی از آن، مستقیم و یا غیرمستقیم، با ذکر یا بدون ذکر سند، نقل و قسمت‌هایی از این مقتل مهم، که اصل آن در فراز و فرودهای تاریخ مفقود گردیده است، حفظ شود.^۱ از منابع مهم دیگر، تاریخ طبری است، که بخشی از روایات خود را به نقل از ابی‌مخنف آورده و علاوه بر آن، روایات دیگری نیز نقل نموده است که خالی از شک و شبهه نیست. الفتح ابن‌اعثم کوفی (متوفای حدود ۳۱۴ ق)، از مأخذ دیگر برای آشنایی با واقعه عاشورا است. با وجود آنکه ابن‌اعثم شیعه نیست، اما کتاب او به دلیل نقل بعضی از اخبار تازه درباره کربلا و عاشورا، از جمله وصیتنامه امام حسین (ع) به محمد بن حنفیه، از منابع مورد استناد عالمان شیعی است. از دیگر مقاتل معتبر و معروف، مقاتل الطالبیین از ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۶۵ ق) است.

بنا به روایات تاریخی، با اینکه او از احفاد بنی‌امیه بود، به مذهب شیعه گرایش داشت و بنا به تحقیق، زیدی است و همین باعث شگفتی بعضی از مورخان از جمله ابن‌اثیر شده است (مقاتل الطالبیین، ص ۲۳). مقتل الحسین ابوالمؤید موفق بن احمد مکی خوارزمی (متوفای ۵۶۸ ق) که مقتل خود را در یک مقدمه و ۱۵ فصل در فضایل و تاریخ اهل بیت (ع) تدوین کرده و غالب آنها را از الفتح برگرفته، نیز در زمره مشهورترین مقاتل است. از مورخان مشهور دیگری که به توصیف و تحلیل واقعه عاشورا پرداخته و گزارش‌هایی البته آمیخته به تعصب و غیرمنصفانه ارائه نموده، ابن‌خلدون (متوفای ۸۰۶ یا ۸۰۸ ق) است که هم امام حسین را که بر اجتهاد خود عمل کرده، شهید و ماجور دانسته و هم یزید را، که برابر اجتهاد خود برابر امام ایستاده، برحق خوانده است (نک: ابن‌خلدون، تاریخ، ج ۱، ص ۶۲۱ و مقدمه، ص ۲۱۰ به بعد).

از کسان دیگر که در نقل توأم با تحریف حوادث کربلا کوشیده، قاضی ابوبکر بن عربی، محدث سلفی و فقیه مالکی است در کتاب النواصم من النواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفاة النبی (ص)، که در آن، قیام امام (ع) را فاقد وجهت و دلیل عقلی و شرعی دانسته است (ص ۲۲۷ به بعد). امام محمد غزالی نیز در کتاب مشهورش، احیاء علوم الدین، با نگاهی غرض‌ورزانه، به حرمت نقل روایت و حکایت کشته شدن حسین و درگیری و عداوت بین صحابه از سوی واعظ و غیرواعظ فتوا داده است (احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۱۲۵). اما مشهورترین اثر در نقل حوادث عاشورا برای ایرانیان، روضة الشهداء، اثر مشهور عالم پرکار قرن نهم و اوایل قرن دهم، ملاحسین واعظ کاشفی (متوفای ۹۱۰ ق) است، که از زمان تألیف و روی کار آمدن صفویان، با اقبال اهل منبر و مداحان اهل‌بیت عصمت و طهارت روبه‌رو شد. ذاکرین، این کتاب را بر روی منابع می‌خواندند و از همین‌روست که ایشان به «روضه‌خوان» مشهورند و مجالسشان به «مجلس روضه‌خوانی» موسوم است. ابواب این کتاب پس از آنکه به ابتلای بعضی از پیامبران، جفای قریش با حضرت رسالت، شهادت حمزه و جعفر طیار، وفات سیدالمرسلین، در حالات زهرا (س)، در اخبار علی مرتضی (ع) و فضایل امام حسن از ولادت تا وفات پرداخته، به قیام عاشورا و ذکر مناقب امام حسین (ع) و فرزندان و خاندان او اختصاص دارد. کاشفی هدف خود از تألیف این کتاب را «تفحص و تصفح بسیار، برای تفصیل واقعه عاشورا» به «طریق خیرالکلام» ذکر و اشاره کرده است که رَجَز مبارزان را «چون فارسی‌زبانان را از آن فایده نیست و سررشته سخن به سبب آن انقطاع می‌یابد، اینجا نیاورده، مگر جایی که ضرورت باشد» (روضه الشهداء، ص ۱۷۷). تأثیر این کتاب به حدی است که در سال ۹۲۸، ندایی نیشابوری آن را با عنوان سیف النبوة یا مشهد الشهداء به نظم کشید و فضولی بغدادی (متوفای ۹۷۰ ق)، شاعر مشهور و چندزبانه، آن را با عنوان

حداثق السعداء، با اضافاتی به ترکی ترجمه کرد؛ اما با این حال، روضه الشهداء هیچ گاه نتوانسته است رضایت منتقدان و حمایت صاحب‌نظران را به خود جلب کند.^۲

همگام و همدوش با مورخان، دانشمندان و ادیبان عرب و پیش از آنکه ملاحسین کاشفی اثر فارسی خود را درباره عاشورا تألیف کند، شاعران فارسی‌گوی نیز به این واقعه دلسوز توجه نموده و مراثی بلند و کوتاهی در بیان واقعه کربلا به جای گذاشته‌اند؛ نخستین مرثیه عاشورایی را به کسایی مروزی (متولد ۳۴۱ ق) نسبت داده‌اند (گنج سخن، ج ۱، ص ۶۸). حکیم سنایی غزنوی (متوفای ۵۳۵ ق) نیز در حدیقه ده‌ها بیت در رثای امام حسین (ع) سروده و در جایی، دشمنان امام را خفّاشانی خوانده است که تاب دیدن آفتاب جمال امام را نداشته‌اند؛ در دیوان قوامی رازی (متوفای ۵۶۰ ق) نیز نمونه‌هایی از مرثیه وجود دارد (دیوان، ص ۱۷) ابن‌یمین (متوفای ۶۸۵ ق)، قطعه‌سرای مشهور، قطعه‌ای دارد که در آن به ماجرای کربلا و شهادت حسین بن علی (ع) اشاره می‌کند (دیوان اشعار، صص ۵۹۰-۵۸۹). مولانا جلال‌الدین (متوفای ۶۷۲ ق) نیز در دفتر ششم مثنوی با نقل حکایتی، گریزی به کربلا می‌زند و با نگاهی عارفانه، واقعه عاشورا را بررسی می‌کند (مثنوی، دفتر ۶ ص ۷۹۶ به بعد). وی در دفتر سوم (ابیات ۸۳۷-۸۳۱) و دفتر پنجم (ابیات ۱۶۲۹-۱۶۲۳) نیز به کربلا و ماجراهای آن اشاراتی دارد. سلمان ساوجی (متوفای ۷۳۸ ق) در صفحه ۵ و خواجوی کرمانی (متوفای ۷۵۳ ق) در صفحه ۱۴۳ و سلمان ساوجی (متوفای ۷۷۸ ق) در صفحات ۳۳ و ۳۴ و فیاض لاهیجی (متوفای ۱۰۷۲) در صفحات ۳۶۰ تا ۳۶۶ و واعظ قزوینی (متوفای ۱۰۸۹) در صفحات ۴۸۲ تا ۴۸۵ و ۵۴۲ تا ۵۴۵ و حزین لاهیجی (متوفای ۱۱۸۱ ق) در صفحات ۱۳۹ و ۱۴۰ و وصال شیرازی (متوفای ۱۲۶۲) در صفحات ۵۵۴ تا ۶۱۶ و ۶۱۹ تا ۶۲۷ و جاهای دیگر، به ذکر مصائب امام حسین (ع) پرداخته، دیوان خود را به نام و یاد آن حضرت متبرک نموده‌اند.

اما حقیقت آن است که شکفتگی شعر عاشورایی را باید مقارن با قرن نهم و ظهور حسام خوسفی (متوفای ۸۷۵ ق)، صاحب مثنوی خاوران‌نامه، که در وصف امام علی (ع) و نبرد او در خاوران است، دانست. مراثی او و شاعران دیگر، مانند لطف‌الله نیشابوری (متوفای ۸۱۶ ق)، شاه نعمت‌الله ولی (متوفای ۸۳۴ ق)، کاتبی نیشابوری (متوفای ۸۳۹ ق)، و شکل‌گیری حکومت صفویه (۹۰۵ ق)، که تشیع را مذهب رسمی ایرانیان اعلام کرد، زمینه را برای شعر و ادبیات عاشورایی بیش از پیش فراهم آورد. ترکیب‌بند جادوانه محتشم کاشانی (متوفای ۹۹۶ ق)، که مرور زمان هم نتوانسته است رنگ کهنگی به آن ببخشد و غبار فراموشی بر آن نباشد، گواه صادق شکوه شکوفایی شعر عاشورایی تاریخ ادبیات فارسی است. این شعر آسمانی، که از روزگار شاعر تا امروز، ورد زبان شیفتگان امام (ع) بوده و سال‌هاست که آن را بر کتیبه‌ها می‌نویسند و بر منابر می‌خوانند و

اهل عالمی با پریشانی او آرام می‌یابند، از همان آغاز، مورد تقلید و اقتباس و تضمین شاعران برجسته‌ای چون ملاعبدالرزاق لاهیجی، حزین لاهیجی، عاشق اصفهانی (متوفای ۱۱۸۱ ق)، صبا کاشانی (متوفای ۱۲۲۸ ق)، شرر بیگدلی (متوفای ۱۲۵۴ ق)، میرزا محمود فدایی مازندرانی (متوفای ۱۲۸۰ ق)، سروش اصفهانی (متوفای ۱۲۸۲ ق)، صباحی بیگدلی (متوفای ۱۲۹۸ ق)، وقار شیرازی (متوفای ۱۲۹۸ ق)، نیر تبریزی (متوفای ۱۳۱۲ ق)، ادیب‌الممالک فراهانی (متوفای ۱۳۳۶ ق) و غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق) و ده‌ها شاعر دیگر قرار گرفته است، که البته هیچ یک از ایشان نتوانسته‌اند عرصه را بر محتشم تنگ کنند و از حشمت و بزرگی او و شعرش بکاهند.**

قآنی شیرازی (متوفای ۱۲۷۰ ق)، شاعر پرآوازه عهد قاجاری، نیز در قصایدی به ذکر مصیبت عاشورا پرداخته و شعری بدیع و دلنشین به شیوه پرسش و پاسخ سروده است. بیت نخست این منظومه ۲۳ بیتی چنین است:

بارد چه؟ خون، که؟ دیده، چسان؟ روز و شب، چرا؟

از غم، کدام غم؟ غم سلطان کربلا (دیوان قآنی، ۷۷۹)

یغمای جندقی (متوفای ۱۲۷۶ ق) نیز مراثی معروفی در قالب مستزاد سروده است. از شخصیت‌های دیگری که حضورش در صحنه شاعری، تحولاتی در ادبیات عاشورایی در پی داشت، میرزا نورالله عمان سامانی (متوفای ۱۳۲۲ ق) است. او در مثنوی ۸۱۲بیتی خود، که بحق به گنجینه اسرار معروف است، از منظری عرفانی به واقعه کربلا نگریسته و در فصل‌های گوناگون و با مقدمه‌چینی‌های عالمانه و عارفانه، مثنوی خود را با بیان تجلی آغاز کرده و به بیان عاشورا و وقایع کربلا کشانده و در لابه‌لای ابیات، از آیات قرآنی و احادیث قدسی و نبوی و اخبار رسیده از ائمه هدی - سلام الله علیهم اجمعین - بهره‌ها برده و دلربایی‌ها کرده است.

کیست این پنهان مرا در جان و تن

کز زبان من همی گوید سخن؟

اینکه گوید از لب من راز کیست؟

بنگرید این صاحب آواز کیست؟

در من این‌سان خودنمایی می‌کند

ادعای آشنایی می‌کند

کیست این گویا و شنوا در تنم؟

باورم یارب نباید کاین منم (گنجینه، ۲۷)

بدیهی است که در همه دوابین شاعران روزگار صفویان و دوره بازگشت ادبی به نمونه‌های متعدد و گوناگونی از مراثی حسین بن علی (ع) می‌توان دست یافت که ذکر نام و نشان آنها از حوصله این مختصر بیرون است. همچنین باید توجه داشت که با همه فشارهای سیاسی و اجتماعی و جریان‌های روشنفکری و مذهب‌ستیزی که در دوره مشروطه و حکومت پهلوی در بعضی از شاعران و نویسندگان اثری



گذاشته بود، ماجرای شعر مذهبی، به‌ویژه مدایح و مراثی اهل‌بیت، مخصوصاً مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع)، با قوت و قدرت ادامه داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، شعر و ادبیات عاشورایی رونقی مضاعف یافت، شباهت‌های ملموس و محسوس بین حوادث انقلاب اسلامی و حوادث و وقایع عاشورا، شور و شوق شاعران این دوره را بیش از هر دوره دیگری برای سرودن اشعار عاشورا برانگیخت. سیدعلی موسوی گرماردی با سرودن اشعار سپید عاشورایی، سلمان هراتی با اشعاری سمبلیک و اسطوره‌ای در دو منظومه از این ستاره تا آن ستاره و دری به خائنه خورشید، علی معلم دامغانی با سرودن مثنوی‌های بلند و اوزان غیرمتعارف، که فخرامت شعر خراسانی و پیچیدگی شعر هندی را با هم به خاطر می‌آورد و در جای خود بدیع، جذّاب و پربلا است، و حسن حسینی که با شعر نو، پرشکوه و زیبا به حادثه عاشورا پرداخته و اثری متفاوت از آثار دیگران با نام گنجشک و جبرئیل را به یادگار گذاشته است، و قیصر امین‌پور که اشعاری محکم و استوار در قالب‌های گوناگون با تار و پود اندیشه و هنر به جای گذاشته، از جمله شاعران ممتاز و برآمده در این دوره‌اند. علیرضا قرزه، احمد عزیززی، نصرالله مردانی، محمود شاهرخی، مشفق کاشانی، احد ده‌بزرگی، غلامرضا رحمدل، ساعد باقری، سهیل محمودی، فاطمه راکعی، حمید سبزواری، یوسفعلی میرشکاک و دیگران نیز از شاعرانی هستند که پای در این وادی نهاده و صحنه‌هایی از تاریخ کربلا را به تصویر کشیده‌اند.

البته باید بر این نام‌ها که بیشتر عمر و شهرتشان را در دوره انقلاب گذرانده و یافته‌اند نام شاعران قدیمی‌تر را هم که مراثی خود را بیشتر در قالب‌های سنتی سروده‌اند افزود؛ نام کسانی چون محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)، محمدحسین اصفهانی (کمپانی)، کاظم‌زاده کرمانی، جلال‌الدین همایی (سنا)، ابوالقاسم حالت و حبیب چایچیان (حسان).

با این حال، رثا در شعر معاصر ایران جایگاهی ویژه دارد و شمار شاعرانی که به این نوع شعری روی آورده و در بیان مسائل و مصائب کربلا سخن گفته‌اند، بسیار بیش از تعداد اندکی است که مذکور افتاد. باری؛ ادبیات عاشورا، در قالب نظم و نثر، مجموعه‌ای نفیس و گرانبه‌است که از نیاکان ما، نسل به نسل به ارث رسیده و امروز بر علاقه‌مندان به ادب و هنر، به‌ویژه شاعران جوان، است که با مراجعه و مطالعه این ذخایر معنوی، خود را با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشناتر کنند و از پیام‌ها و روش‌های پیشینیان در سرودن اشعار خود بهره‌مند شوند و در همه حال، خود را از تکرار و تقلید به دور دارند و با مطالعه دقیق تاریخ اسلام، به‌ویژه تاریخ کربلا، از ذکر مطالب موهن و غیرواقعی بپرهیزند و بر نقل و بیان ابعاد عرفانی و حماسی واقعه عاشورا و تبیین اندیشه متعالی امام (ع) برای این اقدام سرنوشت‌ساز و معرفی شخصیت‌ها و قهرمان‌های قیام حسینی، به گونه‌ای هنرمندانه

شکفتگی شعر عاشورایی را باید مقارن با قرن نهم و ظهور حسام خوسفی، صاحب مثنوی خاوران‌نامه، که در وصف امام علی (ع) و نبرد او در خاوران است، دانست. مراثی او و شاعران دیگر، مانند لطف‌الله نیشابوری، شاه نعمت‌الله ولی، کاتبی نیشابوری، و شکل‌گیری حکومت صفویه (۹۰۵ ق)، که تشیع را مذهب رسمی ایرانیان اعلام کرد، زمینه را برای شعر و ادبیات عاشورایی بیش از پیش فراهم آورد

شکفتگی شعر
عاشورایی
با ظهور حسام
خوسفی و ظهور
شاعران دیگر
مانند لطف‌الله
نیشابوری، شاه
نعمت‌الله ولی،
کاتبی نیشابوری،
و شکل‌گیری
حکومت صفویه
(۹۰۵ ق)، که
تشیع را مذهب
رسمی ایرانیان
اعلام کرد،
زمینه را برای
شعر و ادبیات
عاشورایی بیش
از پیش فراهم
آورد

اصرار ورزند و نقش خود را در فهم و درک و انتقال این حادثه بزرگ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به‌خوبی ایفا نمایند.

پی‌نوشت

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی.
 ** این بخش، از مقدمه دکتر احمد خاتمی بر مقتل منظم فدایی‌ها و فرزندان برگرفته شده است. این مکتب به زودی با تصحیح و مقدمات فریدون اکبری سلدراهی منتشر خواهد شد.
 ۱. مجموعه‌ای از روایات ابی‌مخنف، با تحقیق محمدهادی یوسفی غروی و ترجمه جواد سلیمانی، با عنوان نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا منتشر شده است (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷). درباره ابی‌مخنف، علاوه بر کتاب مذکور، نک: ابن جوزی، عبدالرحمن، الموضوعات، عبدالرحمن محمد عثمان، قاهره، ۱۳۸۶ ق؛ ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ ق.
 ۲. نک: نظیر صاحب ریاض‌العلماء (ج ۲، ص ۱۹۰) که غالب روایات کتاب، بلکه همه روایات، را از کتب غیرمشهور دانسته است. همچنین نقد استاد شهید، مرتضی مطهری، در کتاب حماسه حسینی، نقدی خواندنی و عالمانه است.

کتابنامه

- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن، ۱۴۰۸ ق، تاریخ بیروت: دارالفکر.
 - _____، ۱۳۵۹، مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - ابن‌عربی، قاضی ابوبکر، ۱۳۹۹ ق، العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابة بعد وفاة النبي (ص). بیروت: مکتبه اسامه بن زید.
 - ابی‌مخنف، لوط بن یحیی، ۱۳۸۰، مکتب (نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا). تحقیق محمدهادی یوسفی غروی. ترجمه و تدوین جواد سلیمان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 - اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۴۹، مقاتل الطالبیین. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. با مقدمه و تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: صدوق.
 - اوحدی اصفهانی (مراغی)، رکن‌الدین، ۱۳۷۵، کلیات به اهتمام سعید نفیسی. تهران: امیرکبیر.
 - تستری، محمدتقی، ۱۴۱۷ ق، قاموس الرجال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 - حائری، محمد مهدی، ۱۳۸۳، معالی السبطين فی احوال الحسن و الحسین. قم: صبح صادق.
 - حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابوطالب، ۱۳۷۴، دیوان. به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار. مکتوب.

- خاتمی، احمد، ۱۳۸۰، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی. تهران: پایا.
 - خواجه کرمانی، کمال‌الدین محمود بن علی، ۱۳۷۴، دیوان. به اهتمام سعید قانع. تهران: بهزاد.
 - دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.
 - سلمان ساوجی، جمال‌الدین بن علاء‌الدین محمد، ۱۳۷۶، کلیات. به اهتمام عباسعلی وفایی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 - سنایی غزنوی، ابوالمجد محمود بن آدم، ۱۳۵۹، حقیقه الحقیقه و طریقه الشریعة. محمدتقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران. تهران:
 - شیر، جواد، ۱۴۰۹ ق، ادب اللطف. بیروت: دارالمرتضی.
 - صفا، ذبیح‌الله، گنج سخن (ج ۱). تهران: دانشگاه تهران.
 - طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۰ ق، رجال طوسی، نجف: مکتبه الحیدریه.
 - عمان سامانی، نورالله، گنجینه الاسرار. به کوشش حسین بدرالدین. تهران: سنایی.
 - غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین.
 - فریومدی، ابن‌یمین، ۱۳۴۴، دیوان اشعار. حسینقلی باستانی راد. تهران: سنایی.
 - فیاض لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، ۱۳۶۹، دیوان، به اهتمام ابوالحسن پروین پریشان‌زاده، تهران: علمی - فرهنگی.
 - قانی، میرزا حبیب، ۱۳۳۶، دیوان اشعار، به کوشش محمدجعفر محبوب. تهران: ؟
 - قوامی رازی، بدرالدین، ۱۳۳۱، دیوان، به تصحیح محدث. تهران: ؟
 - کاشفی سبزواری، ملاحسین، ۱۳۷۱، روضة الشهداء. به کوشش شیخ ابوالحسن شعرانی. تهران: اسلامیه.
 - کسائی مروزی، ابوالحسن (؟)، ۱۳۷۵، دیوان، به اهتمام محمدمامین ریاحی. تهران: علمی.
 - محتشم کاشانی، علی بن احمد، ۱۳۷۸، کلیات. مصطفی فیض کاشانی. تهران: حوزه هنری.
 - مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، حماسه حسینی. قم: صدرا.
 - مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۶۳، مثنوی معنوی. نصرالله پورجوادی. تهران: امیرکبیر.
 - نجاشی اسدی، ابوالعباس احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، رجال نجاشی. تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 - واعظ قزوینی، محمدرفیع، دیوان. به تصحیح حسن سادات ناصری. تهران: علمی.
 - وصال شیرازی، میرزا محمد شفیع، ۱۳۷۸، دیوان. به اهتمام محمود طاووسی. شیراز: نوید.